

به مناسبت اول ماه مه

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران

صفحه ۳

۴۸ ساعت تلاطمات سیاسی در ونزوئلا

سیاسی میان طبقات حاکمه این کشورها و این همه بحران‌های سیاسی را نمی‌توان جز از طریق همین تضادها و بن بست‌ها تحلیل و ریشه‌یابی کرد. آنچه که در ونزوئلا نیز رخ داد در شکل بلاواسطه اش، تضاد و برخورد میان دو طبقه‌ساساً متضاد و کشمکش میان انقلاب و ضد انقلاب نبود، بلکه نزاع و کشمکش میان دوجناح بورژوازی حاکم براین کشور بود.

رئیس جمهور کنونی ونزوئلا هوگو چاوز قدرتش را در سال ۱۹۹۹ ارتضادهای عمیق جامعه ونزوئلا، از شکست اقتصادی نتولیبر - الیسم دراین کشور وازناراضایتی گستردۀ توده‌ای گرفت و با اکثریت بالائی در انتخابات به پیروزی رسید. او در پلاتفرم خود به میلیون‌ها کارگر و زحمتکش معترض و عده‌می داد که فقر و فساد را ریشه کن سازد. وی از وقتی که به قدرت رسید در مقابل سیاست‌های اقتصادی جناح رقیب پیش از خود، به تقویت بخش دولتی پرداخت. اما تغییر چندانی در اوضاع صورت نگرفت. به رغم این که ونزوئلا چهارمین تولید کننده بزرگ نفت جهان است و در طول دو سال گذشته بهای نفت به چند برابر افزایش یافته‌است، اما آمار و ارقام انتشار یافته

صفحه ۴

در هفته دوم آوریل، ونزوئلا یکی از کشورهای آمریکای لاتین با یک طوفان سیاسی روبرو گردید. در فاصله ۴۸ ساعت، رئیس جمهور این کشور با یک کودتای نظامی سرنگون شد و با یک قیام توده‌ای دوباره به قدرت رسید. آنچه که در این ۴۸ ساعت به وقوع پیوست، نتیجه بحران و بن بستی است که کشورهای آمریکای لاتین به طور عام و دراین مورد ونزوئلا به شکلی خاص با آن روبرو شد. در این مورد ونزوئلا به نظری رسید که علت بحران سیاسی چند ماه گذشته در آرژانتین و یا دیگر کشورهای آمریکای لاتین با بحرانی که ونزوئلا با آن روبرو شده است تفاوت دارد. امادر واقعیت امر هر آنچه که این بحران‌ها در هر کشور آمریکای لاتین، از ویژگیهای مختص خود برخوردار باشند، از یک منشاء ریشه می‌گیرند. آمریکای لاتین یکی از کانونهای بارز تضادهای نظام سرمایه داری جهانی است. آمریکای لاتین دنیای تضاد فاحش فقر و شرót، نابرابری، بی عدالتی، و این‌وهو تضادهای لایتحل اقتصادی- اجتماعی و سیاسی است. نقش امپریالیسم‌ایلات‌متعدد آمریکا دراین تضادها به جای خود باقی است اما این همه کودتا در آمریکای لاتین، این همه کشمکش‌ها و نزاع‌های

دستمزدها و

چشم انداز اعتراضات کارگری

بعد از مدت‌ها معطلي و پس از چندين روز جر و بحث در "شورايعالی کار" پيرامون ميزان و نحوه افزایش حداقل دستمزدهای کارگری، سرانجام اين ارگان، در آخرین روز‌هاي اسفند ۸۰، تصميم خود را در مورد نحوه محاسبه ميزان افزایش دستمزدها اعلام كرد و به دنبال آن وزارت کار و امور اجتماعی نيز طي بخشنامه‌اي اين تصميم را جهت اجرا ابلاغ نمود.

برپايه‌ايين بخش نامه در سال ۸۱، حداقل مزد روزانه کارگران مشمول قانون کار، ۴/۵ در صد اضافه می‌شود، به اضافه روزانه ۳۵۰ تومان. در بخشنامه توضیح داده شده است که اين ۴/۵ درصد صرفا شامل قسمت ثابت مزد می‌شود و شامل آن دسته از کارگرانی که دارای قسمت ثابت مزد نیستند نمی‌گردد. البته کارگزاران بورژوازی و شورايعالی کار رژيم، نحوه افزایش دستمزدها را آنقدر پيچانده‌اند و آن را با اما و اگر و تبصره همراه ساخته‌اند که کارگران حتی - المقدور نتوانند از آن سر در بياورند تا سرمایه‌داران و کارفرمایان در عمل درمورد پرداخت دستمزدها هر طور که بخواهند با کارگران رفتار کنند. معهذا صرف نظر از ابهامات موجود در نحوه محاسبه افزایش دستمزدها و صرف نظر از تلاش آگاهانه کارگزاران بورژوازی برای ايجاد نفاق و چند دستگی در ميان کارگران، دستمزد روزانه کارگران ۲۳۲۸۲ ریال (مجموع افزایش ۴/۵ درصدی قسمت ثابت دستمزد روزانه + ۳۵۰۰ ریال) و ماهانه ۶۹۸۴۰ تومان تعیین شده است. يعني حداقل دستمزد ماهانه کارگری از حدود ۵۷ هزار تومان در سال درسال ۸۰ به حدود ۷۰ هزار تومان در سال جاري يعني نزديك به ۲۳ در صد افزایش يافته است. اين در حالیست که قيمتها که در اسفند سال گذشته به صورت جهشی افزایش يافته بود، در سال جديد نيز همچنان سير صعودي می‌پيمايد و رشد افسار گسيخته نرخ تورم و تاثيرات بلا - واسطه يکسان سازي نرخ ارز بر کاهش ارزش ریال و در نتیجه کاهش فاحش قدرت خريد کارگران، وضعیت معيشتی خانوارهای کارگری را به میزان غيرقابل تصویری دشوار ساخته است. فشارهای

صفحه ۲

- | | |
|---|---|
| ۴ | قتل عام مردم فلسطین در اردوگاه جنین |
| ۶ | تحولات ونزوئلا از نگاهی دیگر |
| ۸ | نگاهی به اوضاع پناهندگی و وضعیت پناهندگان در هلند |
| ۶ | تظاهرات ۳ ميليونی کارگران اิตاليا |
| ۲ | خلاصه‌اي از اطلاعيه‌ها و بيانيه‌هاي سازمان |

چشم انداز اعترافات کارگری

اقتصادی و معیشتی بر دوش کارگران و خانوارهای کارگری آنقدرستگین و مترکم شده است که ذهن سران تشکل‌های کارگری وابسته به رژیم رانیزشدیدابه خودمشغول ساخته است و آنان به طور دائم تبعات این وضعیت غیرقابل تحمل و خطرناک‌جار فشارهای تراکم یافته راهشدار داده‌اند وبا هدف وانگیزه پیشگیری از این انفجار، خواسته‌اند دستمزدها بهنحوی تعیین شود که لااقل اندکی از این فشارها کاسته شود. درهمین رابطه است که حتی این مدافعان و مجریان سیاستهای دولت، ۶ هزار تومان و ۶ هزار و پانصد تومان را به عنوان حداقل دستمزد روزانه به "شورای عالی کار" پیشنهاد کرده بودند. تا آنجا که یک هفته مانده به پایان سال ۸۰ و برمن مبارزات اعتراضی جاری کارگران برای افزایش دستمزد ها، وقتی که عطاردیان دبیر انجمن صنفی کارفرمانی، ۲۷۰۰ تومان دریافتی روزانه را به عنوان رقم پیشنهادی کارفرمایان اعلام کرد، این رقم از آنجا که در مقایسه با افزایش قیمت‌ها و تامین حداقل معیشت کارگری بهشت ناهمخوانی داشت، نه فقط موجی از اعتراضات کارگری را برانگیخت، بلکه صدای اعتراض و نارضایتی این‌ها را نیز در پی‌داشت. معهادرقم نهائی اعلام شده توسط "شورای عالی کار" نه فقط به هیچ عنوان خواست و نظرکارگران را تامین نمی‌کند و تامین کننده هزینه یک خانوار کارگری و حتی حداقل‌های معیشتی یک خانوار ۵ نفره کارگری نیست، نه فقط هیچ انتظابی با نرخ رشد تورم در سال جاری ندارد و نه فقط از میزان پیشنهادی تشکلهای وابسته به رژیم کمتر است، بلکه حتی از رقم اعلام شده دبیر انجمن صنفی کارفرمانی هم پائین‌تر است.

تصمیم "شورای عالی کار" که رضایت حتی نزدیک‌ترین محاذل کارگری به رژیم رانیز نتوانست تامین کند، بار دیگر این حقیقت را به کارگران نشان داد که "شورای عالی کار" ارگانی وابسته به بورژوازی است و هیچ ربطی به کار و به کارگر ندارد. طبق آمار انتشار یافته در روزنامه های رسمی رژیم، هم‌اکنون خط فقرحدود ۱۸۰ هزار تومان است. تعیین ۷۰ هزار تومان به عنوان دستمزد ماهانه کارگری معنایش آن است که نظر سرمایه داران و دولت پاسدار منافع آنها، براین است که کارگران همچنان باید زیرخط فقرقرار داشته باشند. معنایش استثمار و حشیانه کارگران و تحمیل فشارها و دشواری های معیشتی بیشتر به کارگران و خانوارهای کارگری و فقر و تنگدستی افزون تر آنان است. باید درنظرداشت با یکسان سازی نرخ ارز،

خلاصه‌ای از اطلاعیه‌ها و بیانیه‌های سازمان

در تاریخ ۲۰ فروردین ماه، کارگران نساجی و ریسمان ریسی سمنان در مقابل کارخانه تجمع نموده و تظاهرات کردن.

در همین روز هزاران تن از مردم فردوس دراعتراض به سیاست‌های رژیم و نحوه تقسیم استان خراسان بدون در نظر گرفتن خواست مردم این منطقه دست به راهپیمایی و تظاهرات زدند. سازمان در همین تاریخ با صدور اطلاعیه‌ای ضمن انتشار این اخبار به انعکاس مطالبات و خواسته‌های کارگران و مردم فردوس پرداخت. در این اطلاعیه آمده است، که کارگران نساجی و ریسمان ریسی سمنان از بهمن ماه سال ۸۰ حقوق و مزایای خود را دریافت نکرده‌اند. کارگران به بیکارسازیها معتبر بودندو اعلام می‌کردند که در کارخانه‌ای که در هزار نفر در آن کار می‌کردند اکنون تنها ۳۱۵ کارگر باقی مانده که آنها نیز بلا تکلیف‌اند. کارگران خواهان پرداخت حقوق و مزایای معوقه و روشن شدن وضعیت کارخانه هستند. در بخش دیگری از این اطلاعیه گفته شده است که از روز گذشته هزاران تن از مردم فردوس در اعتراض به نحوه تقسیم استان خراسان و در نظر نگرفتن نظر مردم این شهر دست به یک رشته اقدامات اعتراضی، از جمله راهپیمایی و تظاهرات زده‌اند. تظاهرات مردم این شهر نیز ادامه یافت.

((اعتصاب کارگران ایوان خودرو)) عنوان اطلاعیه‌ای است که در تاریخ ۱۳۸۱/۱/۲۴ انتشار یافت. اطلاعیه می‌گوید، کارگران شرکت ایران خودرو در اعتراض به تصمیمات مدیریت ایران خودرو مبنی بر افزایش ساعت کار، ملغاً نمودن روز تعطیلی جمعه، به اعتراض غذامتوسل شده‌اند. اطلاعیه می‌افزاید، این اقدام ارتقای و ضد انسانی به معنای محروم کردن کارگران حتی از یک روز تعطیل در هفته است و به معنای بازشکت به دوران بردۀ داری کهنه است که برده دار تمام روزهای هفته برده را به کار وامی داشت. درحالی که امروز در بیشتر کشورهای جهان، کارگران در هر هفته دوروز پی در پی تعطیل اند و ساعت کار نیز در برخی از کشورها در هر هفته به ۳۵ ساعت کاهش یافته است، سرمایه داران و دولت پاسدار منافع آنها در ایران در تلاش است، کارگران را از امکان استراحت یک روزه در هفته نیز محروم کنند.

در پایان اطلاعیه نیز آمده است، سازمان فدائیان (اقلیت) از مقاومت و مبارزه کارگران ایران خودرو علیه این اقدامات ارتقای وامی کند.

گذران زندگی روزمره خویش ندارند! روشن است که کارگران دربرابر این وضعیت دشوار و در برابر این همه زور و اجحاف ساکت نمی‌نشینند. روحیه اعتراضی در میان کارگران و محیط‌های کارگری به سرعت درحال گسترش است. سرمایه‌داران و دولت آنها، به خواست دهها هزار کارگری که در اسفند ماه در صدها کارخانه در استانهای مختلف دست به تجمع و اعتراض زده و خواستار افزایش دستمزد ها شده بودند و بعد درانتظار تصمیم "شورای عالی کار" ماندند، دهن کجی کردن و به آنان پاسخ منفی دادند. کارگران بادامه مبارزه خویش برای افزایش دستمزد ها، پاسخ این دهن کجی را خواهند داد. کارگران به ماهیت ضد کارگری "شورای عالی کار" پی‌می‌برند. کارگران به تجربه دریافت‌هه اند که از این امام زاده معجزه ای ساخته نیست. فقط با مبارزات متسلک و مستمر کارگران است که خواست افزایش دستمزد هارا می‌توان به کارفرمایان و دولت آنها قبولاند. سال جاری نه فقط با گسترش مبارزه برای دریافت حقوقهای عقب افتاده همراه است، بلکه گسترش مبارزه برای افزایش دستمزدهارا نیز در چشم انداز قرار می‌دهد.

برخی کمکهای غیر نقدي که با اختصاص دلار ارزان در اختیار کارگران قرار می‌گرفت، و بخش اندکی از مایحتاج کارگران را تامین می‌کرد، عملًا خاصیت و تاثیر گذاری خود را از دست می‌دهد و کارگران از این ناحیه نیز تحت فشار قرار می‌گیرند. علاوه بر این، تعقیب سیاست قطع و یا کاهش یارانه ها نیز براین فشارها و شرایط دشوار معیشتی کارگران می‌افزاید. میان دستمزد های کارگری و مخارج و هزینه‌های یک خانوار کارگری است. فشار جامعه، حاکی از یک شکاف بسیار عمیق میان دستمزد های کارگری و مخارج و هزینه‌های یک خانوار کارگری است. فشار - های اقتصادی و معیشتی روزافزون، آنقدر سنگین و کمر شکن است که حقیقت از حد صبر و تحمل گذشته است. باید در نظر داشت که این افزایش ناچیز دستمزدهای اسمی، صرفًا شامل کارگرانی می‌شود که مشمول قانون کار هستند، حال آنکه میلیونها کارگر شاغل، از مشمول این قانون خارج‌اند و اوضاع اقتصادی و معیشتی آنان از این هم وخیم تر و غیر قابل تحمل تر است. از این گذشته میلیونها کارگر دیگر بیکارند و هیچ گونه ممر درآمدی برای



به مناسبت اول ماه مه

زنده باد همبستگی بین المللی کارگران

اردوی کار، نبوغ و خلاقیت، رهائی و انسانیت، باردیگر قدرت متحد خود را در برابر اردوی سرمایه، واپسگرائی و ارتجاج، ستمگری و استثمار، توحش و بربیریت به نمایش می‌گذارد.

اول ماه مه فرا می‌رسد و میلیونها کارگر در سراسر جهان چرخ تولید را متوقف می‌سازند و با راهپیمائی و تظاهرات و گردهم آئی، همبستگی بین المللی خود را جشن می‌گیرند.

طبقه کارگر جهانی امسال در حالی به استقبال اول ماه مه می‌شتابد که نبردهای طبقاتی دوره نوینی از اعتلاه خود را آغاز نموده و گردان‌های ارتتش جهانی کارگران، در کشورهای جداگانه سرمایه داری در ابعادی وسیع تر و گسترش تر از چندین سال گذشته به مبارزه و رودرروشی با طبقه سرمایه دار برخاسته‌اند. اعتصابات هم به لحاظ تعداد و هم نیروی کارگری شرکت کننده در آنها فزونی گرفته است. تظاهرات ۳ میلیونی و اعتصاب عمومی ۱۱ میلیونی کارگران ایتالیائی و راهپیمائی و تظاهرات نیم میلیونی جنبش ضد سرمایه داری و ضد انحصاردار بارسلون اسپانیا، نمونه‌های برجسته‌ای از مبارزات کارگران جهان در چند ماه گذشته‌اند. این مبارزات که بازتاب رشد و اعتلاء مجدد جنبش کارگری و سوسیالیستی جهان‌اند، بازهم این واقعیت را نشان می‌دهند که به رغم تمام تبلیغات بورژوازی و پادوان رنگارنگ سرمایه، نیروهای نفی نظم موجود هردم فزوی می‌گیرند و سوسیالیسم به عنوان یکانه بدیل سرمایه داری، چشم انداز نجات بشریت ستمدیده از بن بستی است که نظام سرمایه داری پدید آورده است.

طبقه کارگر ایران هم، همان هدفی را دنبال می‌کند که تمام کارگران سراسر جهان، یعنی مبارزه برای برانداختن نظام سرمایه داری و استقرار سوسیالیسم. طبقه کارگر ایران نیز در یک سال گذشته مبارزه خود را علیه نظم موجود در اشکالی بس متعدد ادامه داده و این مبارزه پیوسته رویه گسترش و اعتلاء بوده است. به جرأت می‌توان گفت که در طول تمام دوران موجودیت طبقه کارگر در ایران، هیچگاه جنبش کارگری، همانند چند سال اخیر، با جنبش‌های خودانگیخته و اشکالی در چنین ابعاد روبرو نبوده است. روزی و هفته‌ای نمی‌گذرد که کارگران در یک یا چند کارخانه و موسسه به یکی از اشکال مبارزه علني متولی نشوند. تنها در یک سال گذشته کارگران در صدھا مورد به اعتصاب، راهپیمائی، تجمع، تظاهرات، تحصن، سنگربندی‌های خیابانی، بستن جاده‌ها و خیابان‌ها متولی شده‌اند. این رشد و اعتلاء مبارزات به افزایش سطح آگاهی و همبستگی طبقاتی در صفوک کارگران انجامیده است. بازترین تجلیات این رشد آگاهی و همبستگی را می‌توان در مواردی یافت که کارگران چند کارخانه مشترکاً به اعتصاب متولی شده‌اند، مشترکاً دست به راهپیمائی و تظاهرات زده‌اند و یا کارگران کارخانه‌های دیگر از مطالبات کارگران اعتصابی حمایت و پشتیبانی به عمل آورده‌اند. ابعاد این رشد همبستگی و آگاهی در صفوک کارگران را آنگاه می‌توان به خوبی دریافت که این واقعیت را مد نظر قرار داد که در ایران یک دیکتاتوری عربیان حاکم است که هرگونه آزادی را از کارگران سلب نموده، تشکل‌های مستقل کارگری را منع اعلام کرده و فعالیت سازمان‌های سوسیالیست نیز غیر قانونی است. با در نظر گرفتن این واقعیت‌ها می‌توان دریافت که وقتی کارگران چندین کارخانه و واحد تولیدی متحداً و مشترکاً دست به مبارزه می‌زنند، تاچه حد همبستگی در میان کارگران ایران تقویت شده است. این در عین حال به معنای رشد و تقویت همبستگی میان کارگران ایران و دیگر گردانهای ارتش جهانی کار در کشورهای دیگرست. از همین روزت که برغم تمام محدودیت‌ها و تضییقات ضد دمکراتیک رژیم اجتماعی جمهوری اسلامی و اقدامات سرکوبگرانه عربیان این رژیم، کارگران در سالهای اخیر به اشکال مختلف، از جمله اشکال علنی نظری گردهم آئی، راهپیمائی و تظاهرات، همبستگی خود را با کارگران سراسر جهان در اول ماه مه به نمایش گذاشته‌ند. بریانی مراسم اول ماه مه از سوی کارگران ایران در همان حال که نشانه ابراز همبستگی طبقه کارگر ایران با تمام زنان و مردان طبقه کارگر سراسر جهان است، یک رودرروش سیاسی آشکار با طبقه سرمایه دار و رژیم پاسدار منافع آن در ایران است که حتی حق اعتراض، اعتصاب، تظاهرات و راهپیمائی را از کارگران سلب نموده است.

طبقه کارگر ایران، امسال نیز همانند سالهای گذشته، به رغم مخالفت و مقاومت ارتجاج حاکم بر ایران، در روز اول ماه مه همبستگی بین المللی خود را با کارگران سراسر جهان به نمایش خواهد گذاشت.

رفقای کارگر! زنان و مردان کارگر!

با برگزاری با شکوه‌تر مراسم اول ماه مه، با سازماندهی اجتماعات کارگری، راهپیمائی و تظاهرات، هم‌صدا با کارگران سراسر جهان اعتراض خود را نسبت به نظم ستمگرانه و ضد انسانی سرمایه داری ابراز دارید.

سازمان فدائیان (اقلیت) که خود را جزء جدایی ناپذیری از جنبش بین المللی طبقه کارگر و جنبش کمونیستی کارگران جهان برای دگرگونی نظم سرمایه داری و برقراری یک جامعه کمونیستی می‌داند و وظیفه فوری خود را در ایران سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی و برقراری حکومت شورایی کارگران و زحمتکشان قرار داده است، روز اول ماه مه را به عموم کارگران تبریک می‌گوید.

سازمان فدائیان (اقلیت) در اول ماه مه به عنوان مطالبات مشخص، خواهان نابودی اختناق و تحقق آزادیهای سیاسی مردم ایران، از جمله حق اعتصاب و تشکل‌های مستقل کارگری است.

سازمان فدائیان (اقلیت) همچنین خواهان توقف بیکارسازی و اخراج کارگران، برخورداری کارگران از یک بیمه کامل بیکاری و افزایش دستمزدهاست.

**سونگون باد رژیم جمهوری اسلامی – برقرار باد حکومت شورائی
نابود باد نظام سرمایه داری – زنده باد سوسیالیسم
سازمان فدائیان (اقلیت)
اوپریهشت ماه ۱۳۸۱**

۴۸ ساعت تلاطمات سیاسی در ونزوئلا

قتل عام مردم فلسطین در اردوگاه جنین

موجودیت رژیم اسرائیل درس کشtar و جنایت را از هیتلر یهودیان را کشtar می بی رحمی که هیتلر یهودیان را کشtar می کرد، شارون مردم فلسطین را کشtar و قتل عام می کند. این اقدامات وحشیانه و ضد انسانی رژیم اسرائیل، موجی از نفرت و انزجار نسبت به این رژیم ضد انسانی را برانگیخته است. فشار افکار عمومی حتی دولتهای اروپائی را که همواره از پشتیبا - نان رژیم نژادپرست اسرائیل بوده اند، واداشته که این اقدامات فجیع و ضد بشری رژیم اسرائیل را محکوم کنند. اکنون تنها درجهان، امپریالیسم آمریکا، این منفور- ترین قدرت امپریالیستی است که همچنان از وحشیگری رژیم اسرائیل دفاع می کند و برای پیشبرد سیاست های امپریالیستی خود در خاور میانه، شارون را تقویت می کند. اما شکست این هردو، در برابر افکار عمومی مردم سراسرجهان که نفرت و انزجار خود را از این وحشی گریهابراز می دارند، قطعیست. نهشارون و نه امپریالیسم آمریکا با تمام وحشیگریهایشان نمی توانند یک ملت را نابود کنند. شارون با این وحشی - گری ها، نخواهد توانست شکست سیاسی خود را پنهان کند. بدون حل مسئله فلسطین و به رسمیت شناختن حق این ملت در تعیین سرنوشت خودحتی بازوراصلحه نژادپرستان اسرائیلی، امنیتی برای اسرائیل وجود نخواهد داشت. شارون با وعده برقراری امنیت، قدرت را در اسرائیل به دست گرفت، اما امروز بیش از هر زمان دیگر با عدم امنیت روبروست.

کشtar وحشیانه مردم فلسطین توسط رژیم نژاد پرست اسرائیل همچنان ادامه دارد. در فاصله دوهفته گذشته صدها تن از مردم ستم دیده فلسطین توسط ارتش اشغالگر اسرائیل به قتل رسیدند و صدها تن نیز معلول ومصدوم شدند. فجیع ترین جنایت ضد بشری رژیم اسرائیل در هفته گذشته رخ داد که در جریان آن، صدها تن زن و مرد و کودک فلسطینی در اردوگاه جنین قتل عام شدند. مزدوران اشغالگر و نژاد پرست اسرائیل با تانک، بولدوزر و هلیکوپترهای مردم بی دفاع اردو - گاه جنین یورش برداشتند. گروهی رادستگیر و در همان جا اعدام کردند. گروهی را با شلیک گلولهای توب و تانک و مسلسل به قتل رساندند و گروهی دیگر رادر زیر آوار خانه هایشان زنده زنده به گور سپردند. هنوز بعد این جنایت هولناک کامپاروشن نشده است. رژیم اسرائیل اعلام کرده است که ۲۵۰ تن را به قتل رسانده است. اما محدود افرادی که توانسته‌اند از چنگ نژاد پرستان اشغالگر فرار کنند، می گویند که تعداد فلسطینیانی که در جریان این کشtar وحشیانه به قتل رسیده‌اند به ۹۰۰ نفر می رسد. فلسطینیانی که توسط ارتش اسرائیل قتل عام شده اند، در گورهای دستجمعی به خاک سپرده شده اند. صدها تن نیز زخمی و معلول شده‌اند. چندین هزار نفر نیز توسط اشغالگران دستگیر و به بند کشیده شده‌اند. این اقدام وحشیانه رژیم اسرائیل، بسی فجیع تراز کشتهای وحشیانه رژیم هیتلری - است. شارون نخست وزیر رژیم اسرائیل، به گواه تمام عملکردش در طول تمام دوران

حاکی است که اکثریت عظیم مردم این کشور یعنی ۸۰ درصد از جمعیت ۲۴ میلیونی آن زیر خط فقر قرار دارند. نابرابری فاحش به جای خود باقی ماند و تنها بورژوازی، خواه بخش خصوصی یا دولتی درآمد های هنگفتی به جیب زد. در وضعیت دهقانان فقیر و کارگران کشاورزی هم بهبودی صورت نگرفت و همچنان ۸۰ درصد اراضی در دست یک درصد جمعیت ونزوئلا باقی ماند. این وضع منجر به تشدید نارضایتی توده ای، گسترش اعتراضات و اعتصابات کارگری گردید و پایگاه جناح چاوز را تضعیف نمود. با گسترش نارضایتی توده ای جناح رقیب چاوز که از برناهای اقتصادی او ناراضی و زیان دیده بود و نیز امپریالیسم آمریکا که مخالف برنامه های اقتصادی و استقلال ظاهرا سیاسی وی بود و علاوه براین می خواست در اوضاع اقتصادی و سیاسی کنونی جهان، کاملاً سیاست گذارنفت ونزوئلا باشد، موقعیت را برای حمله به وی و سرنگونی اش مناسب دیدند. اعتصاب یک هفتمی کارگران نفت ونزوئلا با یک تظاهرات وسیع مخالفین چاوز در کاراکاس همراه گردید و به کشته و زخمی شدن تعدادی از تظاهرون کنندگان انجامید. سران ارتش به حمایت از جناح رقیب چاوز پیشبرد سیاستهای امپریالیسم آمریکا برای سرنگونی وی دست به کار شدند و چاوز را روز جمعه ۲۳ فروردین ماه برگزار و در یک پایگاه دریائی در ساحل دریای کارائیب زندانی گردند. در بی این کودتا، یکی از سران اتحادیه کارفرمایان ونزوئلا به نام پدرو کارمونا مامور تشکیل کابینه شد. وی مجلس را که نمایندگان آن بیشتر طرفداران هوگو چاوز بودند، منحل و قانون اساسی ونزوئلا را ملغأ اعلام نمود. اما خواست اکثریت مردمی که یک روز قبل از آن در تظاهرات عليه چاوز شرکت کرده بود، به قدرت رسیدن وابستگان جریان راست افراطی امثال پدرو کارمونا نبود. اگر قرار می بود آنها میان کارمونا و چاوز یکی را انتخاب می کردند، گرینش آنها چاوز بود. لذا همین که مطردادان چاوز به خیابانهای کاراکاس سرازیر شدند، از تظاهر کنندگان دوروز پیش دیگر خبری نبود. در ارتش نیز شکاف افتاد و گروهی از سربازان به همراه مردمی که از چاوز طرفداری می کردند، کاخ ریاست جمهوری را به تصرف درآوردند. ارتش برای مهار بحران راه دیگری جز این ندید که دوباره چاوز زمام امور را به دست بگیرد. چاوز مجدداً به قدرت رسید، یک بحران عجالتا فروکش کرد، اما اساس و علت بحران که همانا نظام اقتصادی - اجتماعی ونزوئلا است به جای خود باقی است. این بحران در جای دیگری سرباز خواهد کرد.



حق اعتصاب و ایجاد تشكل های

مستقل کارگری باید به رسمیت شناخته شود

رژیم جمهوری اسلامی توأم با سلب آزادیهای سیاسی مردم ایران، حق اعتصاب و تشكل را نیز از کارگران سلب نموده است.

سازمان فدائیان اقلیت خواهان آن است که بلاذرگ حق اعتصاب و حق ایجاد تشكل های مستقل کارگری به رسمیت شناخته شود.

مرگ بر نظام سومایه داری - مرگ بر رژیم جمهوری اسلامی
سازمان فدائیان (اقلیت)
کار - فان - آزادی - حکومت شورائی

کمک‌های مالی رسیده

هامبورگ

یورو	۱۰	خاوران
یورو	۱۰	ایوب ملکی
یورو	۶۰	مازیار

دانمارک

کرون دانمارک	۵۰	۲۰۰۱	اکتبر
کرون دانمارک	۵۰	۲۰۰۱	سپتامبر
کرون دانمارک	۵۰	۲۰۰۱	نوامبر
کرون دانمارک	۵۰	۲۰۰۱	دسامبر
کرون دانمارک	۵۰	۲۰۰۲	ژانویه
کرون دانمارک	۵۰	۲۰۰۲	فوریه
کرون دانمارک	۵۰	۲۰۰۲	مارس
کرون دانمارک	۵۰	۲۰۰۲	هوشنگ احمدی

سوئیس

فرانک سوئیس	۱۰۰	سعید سلطانپور
فرانک سوئیس	۳۰	پرستو
فرانک سوئیس	۲۰	رفیق مدان
فرانک سوئیس	۵۰	فداءی کبیر حمید اشرف
فرانک سوئیس	۲۱۰	ارغوان

سوئد

کاملیا	۲۰۰	کرون سوئد
پیش به سوی حکومت شورائی	۱۰۰	کرون سوئد

با کمک‌های مالی خود
سازمان را یاری رسانید

پرسش‌های یک کارگر باسوار

چه کسی شهر هفت دروازه‌ی «تب» را بنا کرد؟
در کتاب‌ها، نام فرمانروایانی آمده است.
آیا فرمانروایان، تخته سنگ‌ها را به دوش کشیدند؟
و بابل را که چندین و چند بار ویران شد،
چه کسی باز ساخت؟

فعله‌های شهر زرین «لیما» خود در کدام خانه به سر می‌بردند؟
در آن شب که دیوار بزرگ چین
تمامی گرفت،

بنایانش به کجا رفتند؟ روم بزرگ،
پر از طاق نصرت هاست. چه کسی آنها را برپا داشت؟
و قیصرها برچه کسانی پیروز شدند؟
آیا بیزانس پر آواز، برای ساکنانش، فقط قصر داشت؟
در آتلانتیس افسانه‌ای
حتی در آن شب که دریا به کامش کشید،
به دریا افتادگان، برسر برده‌گان خود نعره می‌کشیدند.

آیا اسکندر جوان، هند را تسخیر کرد؟
به تنها ؟

قیصر که «گل» ها را درهم کوید،
حتی آشپز هم همراهش نبود؟
فیلیپ اسپانیائی، به هنگامی که ناوگانش
غرق شد، گریست.

جز او، آیا هیچکس گریه نکرد؟
فردیک دوم در جنگ‌های هفت ساله پیروز شد.
آیا هیچکس در این پیروزی، سهمی نداشت؟

برپیشانی هر ورقی، یک پیروزی.
چه کسی شام پیروزی‌ها را می‌پخت؟
هر ده سال، مردی بزرگ.
چه کسی هزینه‌ها را می‌پرداخت؟

این همه روایت.
این همه پرسش.

شعر از برتولت برشت
ترجمه بهروز مشیری

قطاہرات ۳ میلیونی کارگران ایتالیا

۳ هواپیما و ۲ کشتی مسافر بری، امکان حضور دهها هزار کارگر از اقصی نقاط ایتالیا در رم را فراهم نمود. روز شنبه ۲۳ مارس، موجی از جمعیت و دریائی از پرچم‌های سرخ سراسر پاپیخت را به لرزه درآورده بود. ۳ میلیون کارگر در خیابان‌های رم به راه پیمایی و تظاهرات پرداخته و مخالفت خود با سیاست‌های ضد کارگری دولت را به نمایش گذاشتند.

لازم به ذکر است که یک روز قبل از این تظاهرات، یکی از مقامات دولتی ایتالیا ترور شده بود و دولت ایتالیا سعی داشت تظاهرات کارگران را "تظاهرات ضد ترور" معرفی نماید. جهت خنثی کردن این توطئه، "سرگیو کوفه راتی" در ادامه سخنان خود ضمن محکوم نمودن دسایس و تبلیغات دولتی، اعلام نمود هرگونه حرکتی را که از پتانسیل نیرو و مبارزه وسیع کارگران بکاهد یا به آن صدمه زند شدیداً محکوم می کند.

با پوزش از خوانندگان، مطلب زیر باید در شماره قبلی تشریه کاردرج می‌شد که هنگام صفحه بندی به اشتباه حذف شده است.

حدود ۳ میلیون کارگر ایتالیائی در اعتراض به سیاستهای ضد کارگری دولت "برلوسکنی" روز ۲۳ مارس، بزرگترین تظاهرات کارگری پس از جنگ دوم جهانی را برگزار کردند. موج اخیر اعتراضات، "زمانی وسعت گرفت که وزیر کارایین کشور اعلام نمود که بند ۱۸ قانون کار را تغییر خواهد داد. تغییرات واردۀ بر این بند قانون کار، دست کار-فرمایان مراکز کوچک را در اخراج کارگران باز می‌گذارد و اشتغال میلیون‌ها کارگر را به مخاطره می‌اندازد. از همین رو در مخالفت با این تغییرات، ۳ اتحادیه بزرگ کارگری ایتالیا، فراغوان یک تظاهرات وسیع در شهر رم را اعلام نمودند. گرچه ۲ اتحادیه موضعی متزلزل اتخاذ کرده‌بودند، اما وسعت مخالفت اعضاء اتحادیه CGIL (کنفراسیون کار) به برگزاری بزرگترین حرکت کارگری طی دهه‌های اخیر انجامید. CGIL با بسیج اعضاء و اختصاص امکانات رفت و آمد، میلیون‌ها تن را به این گرد-هم‌آئی اعتراضی دعوت نمود. به همین منظوربا کرایه ۹۰۰۰ اتوبوس، ۶۰ قطار،

تحولات ونزوئلا از نگاهی دیگر

روزهای ۱۰ تا ۱۳ آوریل سال جاری، صدها هزارتن از کارگران و زحمتکشان و نزوللائی در اعتراض به فقر و بیکاری دست به یک اعتراض عمومی زدند. کلیه اتحادیه‌های کارگری این کشور با فراخوان به اعضاء و فعالیین خود، آنها را به خیابان‌ها فرا-خوانند. به دنبال این امر، اتحادیه روز - نامه نگاران، دانشجویان، اصناف به حمایت از کارگران برخاستند و به این اعتراض پیوستند. با گسترش نارضایتی و پیوستن اقشار مختلف به اعتراضات کارگری، کلیسا و نهادهای وابسته به آن نیز حمایت خود را از اعتراض عمومی کارگران و زحمتکشان اعلام نمودند.

روز ۱۰ اوریل اعتصاب عمومی سراسر اندونزیا نهاد. در کاراکائس صدها هزار تن با تظاهرات و راه پیمایی در شهر 'خواهان' برگرفت. رئیس جمهور این کشور Chavez بزرگواری رئیس جمهور این کشور شدند. روز بعد، بیش از ۲۰۰ هزار تن به تجمع در مقابل قصر ریاست جمهوری دست زدند و اعلام نمودند مدام که Chavez بر کنار نگردد، به اعتراض ادامه خواهند داد. در این هنگام نیروی ضد شورش مستقر در قصر، به روی تظاهر کنندگان آتش گشود و دهها تن را از پای درآورد. به دنبال این امر، بخشی از ارتش به مردم پیوست و از سرکوب مردم سرباز زد. رئیس ارتش در رسانه های گروهی که به کنترل اعتضابیون در آمده بود، حمایت خود را از مردم اعلام نمود. وزیر دفاع و نزوئلا به سفارت شیلی

وی هشدارداد که از "شانس دومی" که به وی داده شده است، نهایت استفاده را بینماید. کارگران و زحمتکشان و کلیه اعتصابیونی که طی سه روز Chavez را برکنار نموده بودند، به علت تزلزل و سازش خرد هبورژوازی این کشور از یک سو و ضعف و پراکندگی احزاب و سازمانهای چپ قادر نگشتد قیام سه روزه را تداوم و به سرانجام برسانند. رهبر یکی از اتحادیه های کارگری طی سخنرانی ضمن "ابزار تاسف از عدم تداوم اعتصابات و قیام سه روزه" خاطر نشان ساخت که برغم سازش بربخی از متحدهین، فقر و بیکاری ۳۰ درصد از جمعیت شاغل و نرخ تورم ۳۰ درصدی این کشور، به زودی موج دیگری از اعتصابات را دامن خواهد زد، اما این بار مستحکم تر و متشکل تر."

گروهی که به مدت سه روز دست مخالفین رژیم افتاده بود، به تدریج از کنترل آنها خارج شد. شدت اعتراضات در سه روز اول بدان حد بود که دول خارجی از جمله ایالات متحده درهراس از روی کار آمدن نیروهای متفرقی، با مانور های سیاسی خواهان برگشت Chavez شدند. از آنجاکه در صفوں توده های کارگر و زحمتکش شکاف ایجاد شده بود، لذا اعتراضات وسیع توده ای متوقف شد. در این فضای حاصله، و در غیاب تداوم قیام توده های مردم، ۴۸ ساعت پس از برکناری Chavez، طرفداران وی با حمایت بورژوازی ملی و بین المللی او را به سر کاربرگرداند. وی پس از بازگشت وعده انتخابات آزاد و "درس گیری از اشتباهات" را داد. بوش رئیس جمهور آمریکا، باتهید

نگاهی به اوضاع پناهندگی و وضعیت پناهندگان در هلند

هر از چندگاه‌گزارشاتی از وضعیت پناهجویان از برخی تلویزیون‌های هلند پخش می‌گردد از جمله اخراج یک مادر و دو دختر ایرانی بعد از ۷ سال از کمپ، اخراج صدها نفر از کمپ‌های پناهندگی، اخراج یک زن حامله کرد از کمپ معروف Zevenaar و وضع حمل در خیابان‌های شهر Arnhem در دو سال Leusden گذشته، مرگ کودک نه ماهه در کمپ بهدلیل سهل‌انگاری و عدم معالجه بهموقع و دهها مورد دیگرگوششای ازو قایع تکان دهنده - ای است که در رسانه‌های منعکس گردیده‌اند. پناهجویانی که خواهان بهبود شرایط زندگی و بهبود وضعیت پناهندگی هستند، پناه - جویانی که خواهان کوتاه شدن پروسه پناهندگی هستند و خواستار آنند که حقوق آنان به عنوان یک شهروند بدرسمیت شناخته شود، برای رسیدن به این خواسته‌ها بایستی دست به مبارزات اعتراضی بزنند. در کشورهای ترکیه و پاکستان، تنها با حمایت نیروهای آگاه و انقلابی است که می‌توان از جان و حقوق پناهندگان دفاع کرد. امادر کشورهای اروپائی به ویژه هلند، فرانسه و آلمان، پناهجویان می‌توانند با ایجاد تشکل‌های پناهندگی در کمپ‌ها و متشکل شدن خود، اقدامات اعتراضی را سازماندهی کنند و از این طریق با سیاستهای ضد پناهندگی و ضد انسانی دولت‌های اروپائی مقابله و آن را انتشار کنند.

تا آنجا که به پناه جویان ایرانی مربوط است، مسبب اصلی آوارگی و دردسری میلیون‌ها ایرانی، رژیم ارتجاعی و سرکوبگر جمهوری اسلامی است. آوارگی، دردسری از عواقب ناگزیر موجودیت این رژیم و جزء لاینفکی از سیاست‌های سرکوبگرانه آن است. از این رو پناهجویان و پناهندگان همگام با سازماندهی اقدامات اعتراضی و افشاء سیاست‌های دول اروپائی در زمینه "امن" دانستن ایران، بایستی جمهوری اسلامی را به عنوان مسبب اصلی و به عنوان یک رژیم ارتجاعی و ضد بشری افشاء کنند.

حال حاضر مسئولین دادگستری به دلائل
واهی درخواست پناهندگی اکثر پناهجویان
ایرانی رارد می‌کنند. باسته شدن پرونده
پناهندگی، پناهجویان بدون هرگونه حمایت
مادی، درمانی و آموزشی توسط پلیس از
کمیها اخراج و درخیابان شهرهای اطراف
کمپ رها می‌گردند. با این روش پناه جویان
را در تگنا قرارداده و بدون این که از هلنده
اخراج و دیپورت شوند آنها را وادر به
خروج از هلنده می‌کنند.

پناهجویان سایرکشورها در هلند نیز وضع مشابهی دارند. پرونده پناهجویان افغانی تا سپتامبر ۲۰۰۲ مورد رسیدگی قرار نمی‌گیرد. حتی درخواست ملیت هلندی پناهندگان افغانی بررسی نمی‌شود. کشور هلند منتظر اوضاع افغانستان و دیبورت پناهجویان افغانی است. پناه جویان کرد عراقی مدت‌هاست در کمپ‌ها باتکلیف بسر می‌برند. پناهجویان کشورهای روسیه و اروپای شرقی به ندرت درخواست پناهندگی شان مورد بررسی قرار می‌گیرد. اخیراً پناهجویان ایرانی بعد از ۷ سال باتکلیفی پرونده‌شان بسته اعلام شده و از کمپ‌ها اخراج شده‌اند. بعد از واقعه ۱۱ سپتامبر فشار بر خارجی‌ها بخصوص پناه جویان و پناهندگان تشديد شده‌است. پناهندگانی که بعد از مارس ۲۰۰۱ جواب پناهندگی گرفته‌اند، درخواست ملیت هلندی آنها از تاریخ جواب محاسبه می‌شود، یعنی بین ۸ تا ۱۰ سال، این پروسه را طولانی تر کرده‌اند. کمپ‌های بسته هم چنان به فعالیت خود ادامه می‌دهند و پناه جویان کشورهای آفریقائی و اروپای شرقی مدت‌ها در این کمپ‌ها نگهداری شده و از آنجا توسط پلیس به فرودگاه منتقل و از هلند اخراج می‌شوند. پناه جویان اخراجی از کمپ‌ها، برای تامین غذا و مکان خواب مجبور به کار سیاه می‌باشند. این پناه - جویان در صورت دستگیر شدن توسط پلیس به زندان انداخته و از آنجا دیبورت می‌گردند.

رزیمهای بورژوازی برای حفظ منافع خود، باگسترش روابط اقتصادی و صدور کالا و سرمایه به ایران به راحتی همه اصول و مفاد کنوانسیون زتو رازیز پا گذاشتند. بانگاهی به اخبار و گزارشات روزنامه‌های منتشره در کشورهای اروپائی، می‌توان سیاست‌های اتخاذ شده ضد پناهندگی را دید. روابط گستردۀ اقتصادی و سیاسی دولت‌های اروپائی به خصوص اتحادیه اروپا با رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی به طور مستقیم تاثیرمنفی خود را در روند پذیرش پناهندگی گذاشته است. کشورهای اتحادیه اروپا سیاست پناهندگی شان را تغییر داده‌اند و مدعی‌اند شرایط ایران را روی کار آمدن خاتمی تغییر کرده و ایران کشور امنی است. این سیاست بر اساس گزارشات بی‌پایه وزرات امور خارجه و سفارت خانه کشور های فوق در ایران اتخاذ و به‌اجرا درآمده است. اتحادیه اروپا سیاست‌واحدی را در مرور پذیرش پناهندگی اتخاذ و به اجرا درآورده است. قرارداد شنگن مبنای عملی این سیاست‌اتخاذی می‌باشد. از طریق کنترل بیش از پیش مرزاها در صدد هستند آمار مراجعین را کاهش دهند، باتمرکز اطلاعات و مشخصات پناه جویان و پناهندگان دریک مرکز اطلاعاتی طبق مفاد قرارداد فوق در صورت جابجائی پناه جویان و پناهندگان از یک کشور عضو اتحادیه اروپا به کشور دیگر به راحتی مورد شناسائی قرار می‌گیرند.

پناهجویان در کشورهای اروپائی در شرایط نامساعد و غیرانسانی درکمپهای پناهندگی نگهداری می‌شوند. به طور مشخص در کشور هلند پناهندگان اعم از ایرانی، آفریقائی، آسیائی و اروپایی شرقی اکثرا در کمپهای پناهندگی در خارج از شهرها و گاه در ساختمانهای قدیمی و متزوكه مراکز نظامی، کلیساها و گاه در رکشتهای به طور مؤقت اسکان داده شده‌اند. پناهجویان در اطاقهای کوچک و در واحدهای مسکونی ۸ تا ۱۰ نفره زندگی می‌کنند. به علت نامتناسب بودن جا و محل اسکان و نبودن فضای کافی و نیز اعمال محدودیتهای روزافزون، پناهجویان شدیداً تحت فشار هستند و شمار زیادی از آنها

در سالهای گذشته هلند و سایر کشورهای اروپائی به منظور تامین نیروی کار ارزان به راحتی درخواست پناهجویان را می-پذیرفتند و سریع تر جواب می دادند. در

برنامه عمل سازمان فدائیان (افلیت) برای سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی

9

برقراری حکومت شورائی را بخواهید

برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت)،
نامه های خود را در دو نسخه جدا گانه
برای دوستان و آشنايان خود در خارج از
کشور ارسال و از آنها بخواهید نامه هایتان
را به یکی از آدرس های زیر پست کنند.

K.A.R
Postfach 160531
60068 Frankfurt
Germany

Kar
Postfach 260
1071, Wien
Austria

I.S.F
P.B. 398
1500 Copenhagen V
Denmark

M.A.M
Postbox 1144
75141 Uppsala
Sweden

Sepehry
Postlagernd
3052 Zollikofen
Switzerland

A.A.A
MBE 265
23, Rue L'ecourbe
75015 Paris
France

کمک های مالی خود را به شماره حساب بانکی
زیر واپیز و رسید آنرا به همراه کد موردنظر به
یکی از آدرس های سازمان ارسال نمایید

I.W.A
6932641 Postbank
Holland

شماره فکس
سازمان فدائیان (اقلیت)
۴۹ - ۶۹ - ۵۹۷۹۱۳۵۷

فاسیستی ترکیه موجب هراس و نگرانی
پناه جویان می باشد و هزاران ایرانی
در شرایط بسیار نامساعد و نامنی قرار
دارند و قادر به هیچگونه عکس العمل و
اعتراضی نیستند. دفتر UNHCR (دفتر
پناهندگی سازمان ملل) در این کشورها
که مسئول پذیرش پناهندگی و تامین
امنیت جانی پناهندگان می باشد،
هیچگونه اقدام جدی به عمل نیاورد. و
عکس العمل نشان نمی دهد. پناه جویان
در کشورهای فوق به صورت گروهی و
چندینفره زندگی می کنند و فاقد هرگونه
امکانات زیستی، رفاهی و بهداشتی می
باشند. در شرایط بد روحی و روانی قرار
دارند و تاکنون تعدادی از پناه جویان
دست به خود کشی زده اند. شماری از
پناه جویان از جمله زندانیان سیاسی
و فعالین نیروهای سیاسی توسط عوامل
و طلاقاتی رژیم ترور شده اند.
این شرایط دشوار و نامساعد، صرفا به
پناه جویان در کشورهای فوق خلاصه نمی
شود حتی آن دسته از پناه جویانی که چه از
طریق پاکستان و ترکیه و چه مستقیماً خود
را به کشورهای اروپائی رسانده اند نیز
در شرایط سخت و دشواری قراردارند. زیرا
اکثر دول امپریالیستی و سرمایه داری
اروپائی به اعمال فشار و تضییقات حقوقی
بیشتری علیه پناه جویان دست زده اند.

با تصویب قوانین و اتخاذ سیاست های
جدید، برنامه ضدپناهندگی خود را به پیش
می برند. بارها به تجربه ثابت شده است
که دولت های بورژوازی به رغم تبلیغات
"بشردوستانه" خود، برای جان انسانها
پیشیزی ارزش قائل نیستند و تا کنون
هزاران پناه جو را قربانی منافع غارت
گرانه خویش ساخته اند. هم اکنون نیز
دول اروپائی در ادامه سیاست هرچه بیشتر
محدود ساختن ورود پناه جویان به کشور
- های خود، در صدد پیاده کردن طرح
پذیرش پناه جویان در مناطق همچو ابر
آمده اند.

در صفحه ۲

پست الکترونیک E-Mail :
info@fedaian-minority.org

KAR

Organization Of Fedaian (Minority)

No.379 apr 2002

انشانی سازمان بر روی اینترنت:

<http://www.fedaian-minority.org>

پناهندگی از معضلاتی است که نظام سرمایه
داری به خاطر منافع خود، به بشریت و
جهان ماتحمیل کرده است. جنگهای تجاوز
گرانه و آزمذانه کشورهای امپریالیستی
بالاخص جنگ جهانی دوم باعث آوارگی
و پناهندگی میلیونها انسان گردیده است.
از یکسو اعمال فشار و سرکوب توده ها
توسط رژیم های دیکتاتوری و ارتقای
وابسته به کشورهای امپریالیستی در
آفریقا، آسیا، آمریکای لاتین و از سوی
دیگر فقر و بیکاری، فلاکت و بدختی و
گرسنگی موجود در این کشورها، سبب
آن شده است که میلیونها انسان آواره و
سرگردان شوند و برای ادامه حیات، به
کشورهای "پیشرفته" سرمایه داری پناه
آورند.

در ایران رژیم ارتقای جمهوری اسلامی
طی دو دهه سرکوب، توحش و کشتار توده
های کارگر و زحمتکش، جامعه ایران را
به فلاکت و تباہی کشانده است. اعدام
دهها هزار تن از کمونیستها و انقلابیون
و سایر مخالفین، در بند کشیدن هزاران
انقلابی و معترض در زندانها، بخشی از
سیاست های ضدانسانی جمهوری اسلامی
است.

در نتیجه چنین اوضاعی طی دو دهه
میلیون های ایرانی به دلایل مختلف در اثر
سیاست های سرکوبگرانه رژیم به ناگزیر
آواره کشورهای مختلف جهان شده اند.
این روند همچنان ادامه دارد و در سال
- های اخیر نیز به علت بیکاری و بی
چشم اندازی بخشی از جوانان و خانواده ها
با تقبل خطرات و مصائب بی شمار
راهی کشورهای مختلف از جمله پاکستان
و ترکیه گشته تا آنچه خود را به کشور
- های اروپائی و کانادا برسانند.

پناهندگانی که در ترکیه و پاکستان بسر
می برند وضع اسفناکی دارند. ترکیه تا
کنون صدها پناه جو را به ایران باز
گردانده و تحويل ماموران مرزی رژیم
داده است. این سیاست همچنان ادامه
دارد. رفتار وحشیانه پلیس و دولت